تهران مصور ۶، ۱۰، ۵۷ - ش ۳



درگیریها و برخوردها در دانشگاه

دانشگاهها، هفته گذشته، باردیگر گشوده شد و این سنگرهای آزادی باردیگر برقرار گردید.

اکنون دانشگاهها از اعلامیه‌ها و شعارها انباشته است و گروههای مختلف در آن به بحث و تظاهرات مشغولند.

بازگشائی دانشگاهها، این‌بار باهمیشه تفاوت داشت. دانشگاه را این‌بار مردم گشودند، به‌یاری انعطاف‌پذیریهای قابل تقدیر دولت بختیار. وقتی سازمان ملی دانشگاهیان اعلام کرد که روز ۲۳ دی‌ماه دانشگاه تهران را خواهد گشود، دولت از آن استقبال کرد و بوسیله رادیووتلویزیون اعلام داشت که دانشگاه، (فردا) گشوده خواهد شد. بسیاری از دانشگاهیان از انعطاف‌پذیری بختیار و همصدائی او با ملت در زمینه‌های مختلف در شگفت شدند. دانشگاه گشوده شد، با شور، با شوق بی آنکه در همه گروهها انعطاف‌پذیری لازم برای دادن دست اتحاد و برادری برای به ثمر رساندن انقلاب وجود داشته باشد. دانشگاهها هرروز محل برخورد گروههای مخالف بایکدیگراست. برخوردهای خصمانه‌ی بی‌منطق.

مذهبی‌ها و غیرمذهبی‌ها در دانشگاه به جان هم می‌افتند و اجازه نمی‌دهند که هرگروه کارخودرا بکند. خشکی وانعطاف‌ناپذیری مذهبی‌ها، البته، بیشتر سبب این برخوردها است. آنها هیچ چیز دیگر را نمی‌پذیرند، جز حزب فقط حزب‌الله را و تحمل نمی‌کنند که دیگران هم شعارهای خود را بدهند. اندك اندك این‌رویاروئی دارد چندان سخت می‌شود که بیم آن می‌رود وضع امروز ترکیه بر دانشگاههای ما حاکم شود: برخورد چپ و راست.

در این زمینه به‌یاد بیاوریم که برخی افراد متعصب و یا شناخته شده که تنگ‌نظری آنها اجازه نمی‌دهد انقلاب را پیروز ببینند، کار را دشوارتر می‌کنند و حتی از سخنرانی شخصیت‌های سرشناس اجتماعی جلو می‌گیرند. جلوگیری از سخنرانی م. الف. به‌آذین در دانشگاه تربیت‌معلم، آنهم درست یك روز پس از آزادی او از زندان، از این دست بود. اگر چه به‌آذین چندروز بعد با استقبال گرم دانشجویان و مردم در دانشگاه علم و صنعت روبرو شد وتوانست سخنان خود را بگوید.

روزپنجشنبه تظاهر کنندگان چپ(البته به چپ موسوم شده است. هرکس طرفدار آزادی احزاب است، چپ می‌خوانندش) تظاهراتی داشتند که بوسیله عناصر شناخته شده که در قالب مذهبی‌ها رفته بودند و یا متعصبین مذهبی برهم خورد. این واقعه‌ای است که هرروز در دانشگاه ـ و نه تنها در دانشگاه تهران ـ در همه دانشگاهها تکرار می‌شود. اما گاه روحانیت مترقی متوجه قضایا می‌شود و خود پادرمیانی می‌کند. چنانکه روز شنبه این اتفاق افتاد و یك روحانی مترقی در دانشگاه تهران از همه خواست دیگران را در تظاهراتشان آزاد بگذارند و آزادی و حد و حدود دیگران را رعایت کنند.

تهران مصور ۱۳، ۱۱، ۵۷ - ش ۴

حمله بدانشگاه صنعتی تهران

جریانهای روز پنجشنبه دانشگاه صنعتی تهران، غم‌انگیز بود. در پایان تظاهرات طرفداران قانون اساسی درتهران که رقم آنها بسیار زیاد و برای همه حیرت‌آور بود، عده‌ای به‌نام طرفداران قانون اساسی به‌دانشگاه صنعتی تهران ریختندو از هیچ نوع زیانکاری پرهیز نکردند.

واقعه بین ساعت ۳ و ۴ بعداز ظهر اتفاق افتاد. عده‌ای با چوب و چماق، به‌نام حمایت از قانون اساسی، به‌دانشگاه‌ریختند وهرچه دیدند نابودکردند، نخستین کارشان کندن یك لنگه از درآهنی‌بزرگ دانشگاه بود. بعد اتاق رئیس دانشگاه را در هم کوبیدند و سپس اتومبیلهائی را که در دانشگاه بود وارونه کردند و شکستندشمار آنها بین ۳ تا ۴ هزار بود و گفته می‌شود که گارد شهربانی از آنها حمایت می‌کرد.

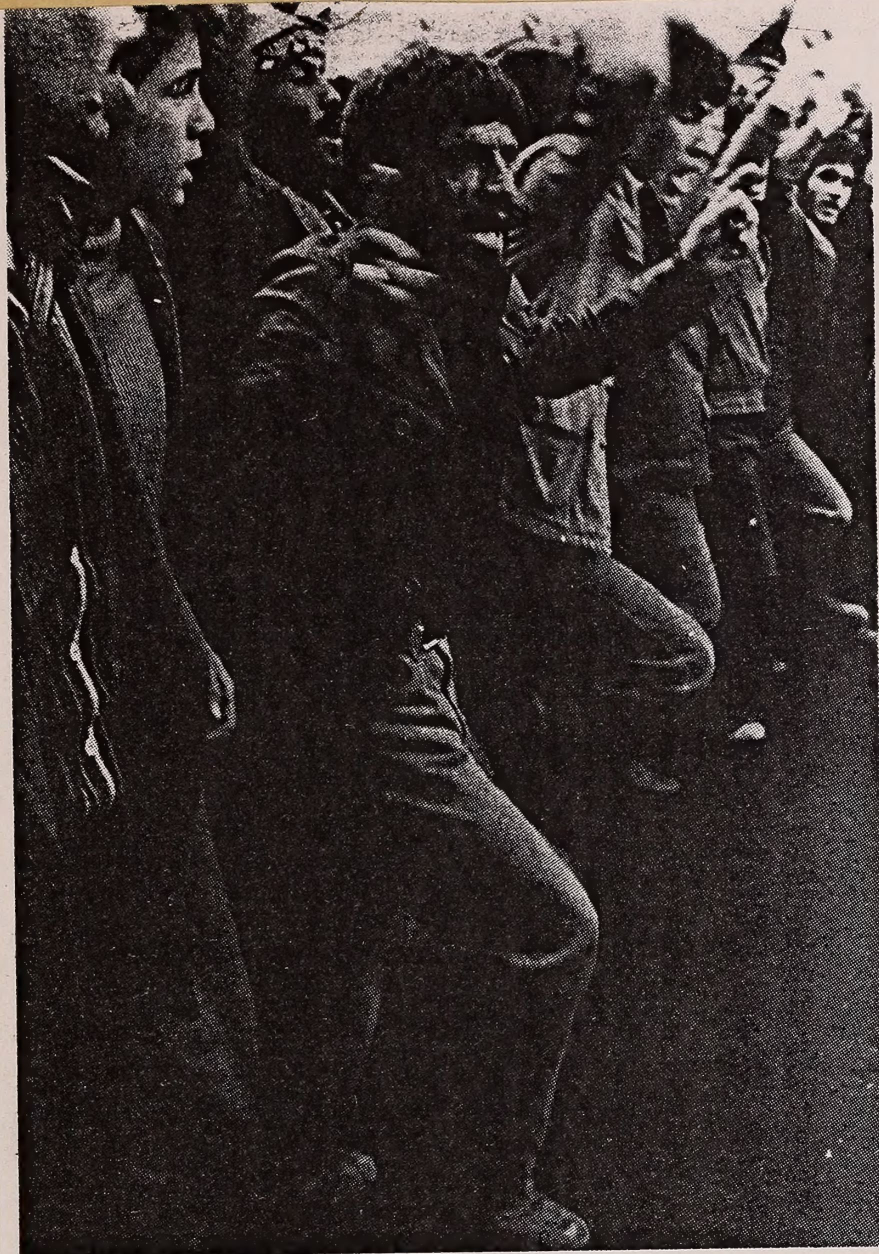
فرزاد بیگلری، عضو هیات علمی دانشگاه صنعتی، در گفتگوئی دراین باره می‌گفت: اکثریت قریب به‌اتفاق حمله‌کنندگان شلوارهای سرمه‌ای پوشیده‌بودند وموهای کوتاه داشتند. آنان به کتابخانه دانشکده فیزیك حمله‌کردند ودر اینجادوتن ازآنها بدست دانشجویان گرفتارشدند بنابر گفته دکتر بیگلری آنهااعتراف‌کرده که پلیس هستند و نفری ۲۰۰ تومان گرفته‌اند تا در این حمله شرکت کنند. آنها باعجزو لابه از دانشجویان خواستند که آنها را رها کنند.

طرفه آنکه دراین حمله دانشجویان مذهبی و غیر مذهبی که در برابر دشمن مشترك قرار گرفته بودند، اختلافهای خود را کنار گذاشته و چماقهائی را که برای مواقع ضروری ذخیره کرده بودند بهم می‌دادند وبه‌دفاع دربرابردشمن می‌ایستادند.

در این حمله یك آمبولانس بوسیله مهاجمان خردشد و خبرنگار بی.بی.سی که برای فیلمبرداری دردانشگاه حضور داشت، وحشیگری حمله‌کنندگان را بوسیله‌دوربین ثبت کرده است که شاید تا زمان انتشار این مطلب، در تلویزیون انگلستان نشان داده شده باشد.

تهران مصور - ۲۰ بهمن ۵۷ - شماره ۵...

تظاهرات دانشگاه حالت رزمندگی گرفته است



دانشگاهها ومخصوصاً دانشگاه تهران، پس از بازگشائی مراکز آموزش عالی توسط مردم، به راستی به مدرسه‌های انقلاب مبدل شده‌اند. دانشگاهها همواره، حتی در سالهای سیاه اختناق محل پرورش و رشد اندیشه‌های آزادیخواهانه و جایگاه مبارزان راستین خلق بوده‌اند، اما این روزها، بی تردید در تاریخ دانشگاهها و ابتدا دانشگاه تهران، روزهای دیگریست. از سپیده صبح تا پاسی از شب گذشته، میعادگاه کسانی است که آزادی را فریاد می کنند. میعادگاه کسانی است که می‌خواهند بیاموزند و در راه آزادی خود وتوده‌های ستمدیده بکوشند. این روزها، علیرغم تعطیل ظاهری کلاسهای درس و آموزش، بهتر و بیش از هرزمان دیگر، رسالت خویش را به‌انجام می‌رسانند. تظاهرات، راه‌پیمایی‌ها، مجالس سخنرانی شخصیت‌های ملی، سیاسی و زندانیان ازبند رسته، پخش اعلامیه‌های گوناگون، و برخوردها و بحث‌های ایدئولوژیك، نمایش فیلم و برپائی نمایشگاه از وقایع هرروزهٔ دانشگاههاست.

دانشگاهها و مخصوصاً دانشگاه تهران، پس از گلوله‌باران مردم در روزهای ۷ و ۸ بهمن‌ماه در میدان مجسمه و اطراف دانشگاه، روزهای پرتلاطمی را گذراندند.

گروههای مختلف مردم، پس از این وقایع خونین، در دسته‌های چند نفری وچند هزار نفری وارد دانشگاه تهران می‌شدند و اعتراض و انزجار خود را همراه راه‌پیمائی و دادن شعار نسبت به رژیم و دولت بختیار اعلام می کردند.

آنچه در این راه‌پیمائی‌ها و تظاهرات و شعارها نسبت به هفته‌های پیش بود. در اجتماعات هفته پیش مردم خشمگین‌تر بودند. آنها در حالیکه پاهای خود را برزمین وبرسنگفرش خیابانها می کوفتند، از رهبران می‌خواستند که آنان را مسلح کنند. تظاهرکنندگان پیر و جوان فریاد می‌زدند تنها راه رهائی جنگ مسلحانه. از جمله گروههائی که هفته گذشته در دانشگاه تهران تظاهرات گسترده‌ای برپا کردند، کارگران و کارکنان صنایع نظامی‌بودند.

بیش از ۵۰۰۰ تن از کارکنان و کارگران صنایع نظامی در حالی که شعار-های ضد رژیم و ضد دولتی می‌دادند، وارد دانشگاه تهران شدند و با استقبال گرم گروه‌های دانشجوئی مواجه شدند. آنان فریاد می‌زدند «وای برمن که اگریك هموطن، کشته گردد از سلاح ساخت من».

در هفته گذشته کارگران کارخانه-های مختلف تهران نیز دردسته‌های جداگانه تظاهراتی در دانشگاه تهران برپا کردند.

پنجشنبه گذشته، روز ورود آیت‌اله خمینی پس از ۱۵ سال تبعید به خاك وطن، دانشگاه تهران چهره دیگری‌داشت. انبوهی از جمعیت در فاصله میدان مجسمه تا خیابان آناتول‌فرانس، به اندازه‌ای بود که گروه-های کثیری ازمردم، به‌ناچار درمحوطه‌دانشگاه اجتماع کردند.

چون از پیش اعلام شده بود که آیت‌الله خمینی در جلو در بزرگ دانشگاه سخنرانی خواهند کرد، صدها هزار نفر در این محل گرد آمده بودند تا به سخنرانی رهبر انقلاب گوش دهند. عده‌ای از درختان کهنسال داخل دانشگاه، بالا رفته بودند تا بهتر آیت‌اله را ببینند. سراسر محوطه دانشگاه و مخصوصاً جلو در بزرگ جنوبی دانشگاه باشعارها و پلاکاردهای گوناگون پوشیده شده بود. از جمله پلاکاردهای گوناگون بزرگی با امضای جبهه ملی به چشم می‌خورد که برروی آن نوشته شده بود:

«دیو چو بیرون رود فرشته درآید».

تهران مصور ۱۷، ۱، ۵۸ - ش ۱۱

تهران مصور ۱۷، ۱، ۵۸ ش ۱۱

تحصن دانشجویان در کانون وکلا

عده‌ای از دانشجویان و هنرجویان انستیتو تکنولوژی جردن (اتحادیه‌دانشجویان مبارز) بعلت عدم رسیدگی دولت به‌اعتراض آنها درباره اعدام ضد انقلابی محمود رئیسی و آزادی ناصر نصرت نظامی، با اعلام خواستهای خود، مجددا از صبح چهارشنبه هشتم فروردین در محل کاخ دادگستری دست به‌تحصن زده و از صبح روز جمعه دهم فروردین وارد اعتصاب غذا شدند.

در این اعتصاب اعضای خانواده محمود رئیسی‌نیز همراه بادانشجویان شرکت دارند.

در ارتباط با اعتصاب اول، گروهی از کانون وکلا ـ جمعیت حقوقدانان و نماینده دادگستری برای تحقیق در مورد نحوه رسیدگی به‌پرونده‌های رئیسی و نظامی عازم رفسنجان شدند که هنوز بخاطر اشکالاتی که در رفسنجان پیش آمده نتوانسته‌اند گزارش رسمی‌ای بدهند.

اعضای گروه تحقیق خواستار دریافت پرونده برای مطالعه و تهیه گزارش شده‌اند که اعضای کمیتهٔ رفسنجان گفته‌اند: نمی‌توانیم پرونده را در اختیار شما بگذاریم چون‌اسامی بازپرس و قضاتی که حکم داده‌اند در آن است. گفته‌اند: روی اسامی‌را کاغذ بچسبانید و دلیل می‌آورند که ممکن است از نوع خط شناخته شوند!!

می‌گویند: یک نفر از شما پرونده را بخواند و ما یادداشت برداریم که پس‌از بحث و گفتگوی زیاد بالاخره قانع میشوند و یکی از اعضای کمیته قسمتهائی از پرونده (فقط قسمتهائی) را می‌خواند، و متن اصلی وصیت‌نامه راهم با تمام اصراری که ازطرف خانواده محمود رئیسی میشود به‌آنها نمی‌دهند فقط بخشی از وصیت‌نامه را در روی ورقهٔ تایپ‌شده‌ای به‌خانوادهٔ او می‌دهند.

یکی از وکلای اعزامی از تهران حتی دو روز بیش‌از سایر اعضا فقط برای دریافت اصل وصیت‌نامه می‌مانده ولی بی‌حاصل.